



مسندنویسی که عمرش را صرف ترویج معارف اهل بیت (ع) کرد

نقیسه عطاردی می‌گوید: ترسیم مرسوم از مسند، حدیثی است که سلسله روایت آن بدون اینکه منقطع شود به معصوم (ع) می‌رسد البته تعاریف دیگری هم وجود دارد و از جمله اینکه حدیثی که به پیامبر (ص) برسد مسند است.

نقیسه عطاردی می‌گوید: ترسیم مرسوم از مسند، حدیثی است که سلسله روایت آن بدون اینکه منقطع شود به معصوم (ع) می‌رسد البته تعاریف دیگری هم وجود دارد و از جمله اینکه حدیثی که به پیامبر (ص) برسد مسند است.

آیت‌الله عزیزالله نقیسه عطاردی، از مسندنویسان بی‌بدیل دوره معاصر است که به تنهایی و با زحمت فراوان، مسند ۱۰ نفر از ائمه (ع) و حضرت زهرا (س) را نوشته است.

وی صاحب آثار متعدد در زمینه های حدیث، تاریخ و جغرافیا، لغت شناسی و فهرست نگاری است و در حوزه های علمیه قوچان، مشهد، تهران و نجف تحصیل کرده است. عطاردی سفرهای علمی بسیاری نیز به کشورهای مختلف داشته است.

خبرنگار ایکننا به مناسبت سالروز شهادت امام صادق (ع) گفت وگویی درباره آن مرحوم و آثارش با نقیسه عطاردی؛ دختر ایشان انجام داده است که در ادامه می‌خوانیم؛

ایکننا - در ابتدا درباره شخصیت آیت‌الله عطاردی توضیح دهید و چه شد که به مسندنویسی روی آوردند؟

ایشان در سال ۱۳۰۸ در روستای بیگلر از توابع قوچان متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در همانجا گذراند و وارد حوزه علمیه قوچان شد و بعد به مشهد و تهران رفت. البته مدتی هم در نجف از محضر علما بهره برد. طی مدتی که در حوزه تهران بودند از سوی دوستشان مرحوم آقای غفاری با تصحیح متون و کتابخانه ها و کتب آشنا شدند و در سال ۱۳۴۲ اولین مسند ایشان یعنی حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) چاپ شد.

پدرم در رفت و آمدی که به کتابخانه ها داشتند با یک عالم خوشانی یا خبوچانی (قوچانی) آشنا می‌شوند و تصمیم می‌گیرند در مورد تاریخ این شهر کتاب بنویسند. مرحوم آقا بزرگ تهرانی او را راهنمایی می‌کند و می‌گوید که چرا تاریخ قوچان، تاریخ خراسان را بنویس زیرا خراسان خیلی پهناور است و منظور آقا بزرگ خراسان بزرگی است که ترکمنستان و بخش هایی از افغانستان را هم در بر دارد و وقتی وارد این کار می‌شود، به امام رضا (ع) به عنوان قطب معنوی خراسان و مشهد می‌پردازد. لذا وارد مسندنویسی می‌شود و در مورد ایشان شروع به نوشتن مسندی می‌کند که هم شامل روایات و احادیث امام و هم زندگانی ایشان است و مسند امام را تنظیم و تألیف می‌کند. وقتی این کتاب را خدمت علما عرضه کردند، خیلی ایشان را تشویق کردند به خصوص آیت‌الله میلانی که به والد ما می‌گویند این کار را برای امام باقر (ع) و سایر ائمه (ع) انجام دهید و ایشان باز تشویق می‌شوند که این روند را ادامه دهند. لذا مسند امام علی (ع) تا امام عسکری (ع) را به همراه مسند حضرت زهرا (س) می‌نویسند.

آیت‌الله عزیزالله عطاردی؛ مسند نویسی که عمرش را در راه معارف اهل بیت (ع) نهاد

ایکننا - تعریف مسند چیست؟

ترسیم مرسوم از مسند، حدیثی است که سلسله روایت آن بدون اینکه منقطع شود به معصوم (ع) می‌رسد البته تعاریف دیگری هم وجود دارد و از جمله اینکه حدیثی که به پیامبر (ص) برسد مسند است؛ از قدیم بیشتر اهل سنت به مسندنویسی می‌پرداختند و در شیعه کمتر بوده است، زیرا ائمه حضور داشتند و شیعیان به ایشان مراجعه می‌کردند؛ علامه عطاردی در مقدمه اثر خود نوشته اند که اولین مسندنویس، خود امام علی (ع) بودند که احادیث و روایات پیامبر (ص) را جمع کردند.

مسند امام زمان (عج) را نوشتند، زیرا معتقد بودند که نیازمند حوزه حدیثی و شاگرد و... است که امام زمان نداشتند و صرفاً ما چند توقيع از آن امام در دست داریم. مسند پیامبر (ص) هم نداریم چون مسند روایاتی است که به پیامبر (ص) می‌رسد بنابراین نوشتن مسند برای خود پیامبر (ص) بی‌معناست. ایشان بارها تأکید کردند که ائمه (ع) سخنانشان را در سلسله اسناد به پیامبر (ص) می‌رسانند، کما اینکه در اهل سنت هم تلاش شده است که روایاتشان را به پیامبر (ص) برسانند؛ مثلاً مسند عایشه هم داریم.

ایکننا - روش استاد عطاردی در نوشتن مسانید چیست؟

ابتدا زندگانی یک امام را از طریق احادیثی که از ائمه (ع) دیگر رسیده است آورده اند سپس روایاتی است که از خود آن امام موجود است و یک بخش هم شامل معرفی رجال و روایاتی است که احادیث را از معصوم (ع) نقل کرده اند. ایشان توضیح داده است که من در مورد زندگی امام صادق (ع) و فضائل و مناقب ایشان و آنچه بین ایشان و خلفای زمانشان رخ داده است و اخباری که از ایشان در آداب و سنن و فروع و اصول و... وجود دارد مطالب را آورده ام. ایشان معتقد بود که باید مطالب را از کتب و مسانید دست اول استخراج کند. لذا منبع ایشان، اصلی بود و به متأخرین ارجاع نمی‌داد. روش ایشان در تدوین حدیث تقسیم بندی موضوعی است و از منابع شیعه و اهل سنت در فرق مختلف استفاده و براساس موضوع احادیث، تقسیم بندی کرده است و تأکید می‌کنند هر کسی حدیثی را یافت که من در مسند نیاورده ام، بیاورد.

ایکنا - چند جلد اثر تألیفی از ایشان به یادگار مانده است؟

آثار ایشان ۱۳۰ جلد و ۶۰ عنوان است و همه را خودشان به تنهایی تدوین و تألیف کرده اند. آن زمان این طور نبود که بتوانند از جست وجوی رایانه ای استفاده کنند و همه کتب خطی و قدیمی را مطالعه و ابتدا با هدف نوشتن تاریخ خراسان این کار را آغاز کردند و به نقاط مختلف دنیا مسافرت کردند تا کتاب ها را در کتابخانه ها ببینند و در مسانید استفاده کنند. در قدیم اجازه نقل حدیث مرسوم بود؛ یعنی کسی که از استاد و شیخ خود اجازه داشت می توانست حدیث نقل کند و مشایخ ایشان هم در مقدمه مسند امام علی(ع) ذکر شده است که از جمله می توان به هفت نفر یعنی آقای حکیم، شیخ آقابزرگ تهرانی، علامه امینی، آیت الله خویی، آیت الله میلانی و میرزا خلیل کمره ای و شیخ محمدابراهیم مدنی حنفی اشاره کرد که این شخص در مدینه و وقتی علامه روی نسخه های کتابخانه های مدینه کار می کردند از ایشان اجازه نقل روایت گرفته است.

ایکنا - یکی از افتخارات ایشان نوشتن مسند امام صادق(ع) است و با توجه به ایام شهادت آن امام، در این باره توضیح دهید.

مسند امام صادق(ع) سه فصل دارد؛ فصل اول در مورد زندگی امام صادق(ع) و فضائل ایشان است؛ فصل دوم در مورد آنچه از ایشان در زمینه توحید، احکام، نبوت و امامت و... روایت شده است آورده اند و فصل سوم هم بحث رجالی است یعنی رجالی که از امام صادق(ع) حدیث نقل کرده اند. مسند امام صادق(ع) ۲۲ جلد است و در سال ۱۳۸۴ چاپ شد. جلد اول زندگی امام و جلد آخر مربوط به روات و مابقی مجلدات مربوط به نقلیات از امام شامل کتاب العقل، کتاب القرآن، کتاب تفسیر و .. است.

همه مسانید ایشان جز مسند امام علی(ع) ترجمه شده است. آقای عطایی مسند امام صادق(ع) را ترجمه کرده که هنوز نتوانسته ایم آن را چاپ کنیم، زیرا مسند وقتی فارسی باشد، در اختیار عموم مردم قرار می گیرد. از این رو مباحث فقهی آن حذف شده است و در مجموع به ۱۶ جلد رسیده، که به سبب هزینه بالای کاغذ و... متوقف شده است. مؤسسه نبأ بخشی از این احادیث را که برای جامعه مفید است استخراج کردند و در سه جلد منتشر شد و شامل زندگانی، سیره و اصحاب امام(ع) است.

علامه علاوه بر تحقیقاتی که درباره تاریخ خراسان داشتند، با مواردی مانند تصحیح متون و تعریف مسانید و... هم مواجه بودند و در ۶۰ سال کار علمی و تحقیقی که با سوگیری خراسان بوده است کارهای متعدد دیگری انجام دادند؛ با نسخ خطی قدیمی نهج البلاغه و برخی کتب دیگر آشنا شدند و ۱۲ جلد اثر در مورد نهج البلاغه دارند. مقاله ۵ نسخه قدیمی نهج البلاغه از جمله اثر ایشان است و به جمع آوری احادیث مشغول شدند و به مسانید اهمیت بیشتری دادند و در زمان حیاتشان همه این کتاب ها به چاپ رسید. ایشان سفرهایی به هند و برخی نقاط دیگر داشتند و در تمام سفرهای داخلی و خارجی بسیار ساده برخورد می کردند، یعنی در حسنیه ها و کتابخانه ها می خوابیدند و مطالعه می کردند و معرفی نامه ای از برخی علما داشتند تا همکاری بیشتری با ایشان صورت بگیرد و در چنین شرایط سختی این کارها را کردند.

ایکنا - الان وضعیت مؤسسه علمی که ایشان تاسیس کردند چطور است؟

پدرم طبق تجربه ای که داشتند به فکر تشکیل مؤسسه ای در سال ۱۳۸۴ افتادند و مرکز فرهنگی خراسان را تأسیس کردند که مقدمات آن از سال ۱۳۷۰ انجام شده بود. کتابخانه شخصی ایشان هم در این مرکز قرار دارد؛ از کارهایی که ایشان در سفرهایشان انجام دادند تهیه عکس نسخ خطی آن هم با زحمت فراوان بود، زیرا به جایی وابسته نبودند. هیئت امنایی هم برای این مؤسسه قرار دادند که ریاست آن با آقای مسجدجامعی است. فرهنگ خراسان حدوداً ۳۶ هزار مدخل دارد که الان به صورت فیش و فقط عنوان مدخل است؛ ۲ جلد با عنوان آستان قدس رضوی و ۷ جلد مربوط به منطقه مشهد و توس چاپ شد و بعد سراغ قوچان رفتند و اعلام آن را آماده کردند، ولی چون درگیر دیالیز شدند در حد مقدمه باقی ماند. روش ایشان این بود که در فرهنگ خراسان ابتدا به تاریخ ورود اسلام به این منطقه بپردازند و بعد وارد رجال شوند. بعد از فوت ایشان با همکاری دوستان پدرم، مقدمه ای برای قوچان نگاشته شده است و این اثر به زودی چاپ خواهد شد. هدف دیگر مؤسسه تجدید چاپ آثار ایشان است، زیرا آثار قدیمی است و باید بازنگری و بازآفرینی شوند.

ایکنا - به عنوان حُسن ختام لطفاً خاطره ای از پدر برایمان بگویید.

وقتی ایشان مشغول کار می شدند، زمان و مکان برایشان مهم نبود و صدای محیط و دیگران را نمی شنیدند. گویی در حین کار حضور فیزیکی نداشتند و غرق مطالعه کتاب بودند و همواره به ما توصیه می کردند که بنا بر استعدادتان به دنبال علم بروید و گاهی ما برای غذا خوردن چند بار ایشان را صدا می زدیم. یک بار زلزله شدیدی آمد و همه پنجره ها شروع به لرزیدن کرد. هراسان و نگران به طبقه پایین رفتم تا حالی از پدر جويا شوم و دیدم آرام نشسته اند و گفتند: «در اتاق مقداری تکان خورد»؛ یعنی چنان غرق مطالعه بودند که متوجه زلزله نشدند.

گفتگو از محسن مسجدجامعی